

## دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق عمومی عدالت

سال اول، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۶

### حقوق پناهندگان: منابع، اسناد و چالش‌های آن

حسین اسمعیلی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۲۵

#### چکیده

در قرن حاضر نیز شاهد جنگ‌ها و نزاع حکومت‌ها و اعمال خشونت علیه بشریت هستیم که به دنبال افزایش پناهندگان را در پی دارد که مستلزم ارائه راهکارهای جدید می‌باشد. در قرن بیستم اقدامات پراکنده‌ای بین برخی دول در خصوص پناهندگان صورت گرفته است و براساس معاهداتی، کشورهای پذیرنده‌ی پناهنده تسهیلاتی در خصوص روایید کار و اقامت و بهره‌مندی از قوانین آن کشور، اختصاص داده‌اند. دولت‌های عضو کنوانسیون نیز برداشت‌های جدید از کنوانسیون‌های مربوط به پناهندگان دارند و چارچوب‌های وسیع‌تری برای حمایت از پناهندگان را مورد تأکید قرار می‌دهند. سازمان ملل و مجامع کشورهای مختلف، اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها و میثاق‌های متعددی در دفاع از حقوق پناهندگان تصویب کرده‌اند که مورد پذیرش بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفته است. از حیث نظری و حقوقی، مشکل آوارگان مورد توجه جامعه‌ی بین‌المللی قرار گرفته است، اما حقوق و مقررات پناهندگی به دلیل نداشتن پشتوانه‌ی اجرایی کافی و برخورد سلیقه‌ای و تفسیرهای متفاوت از مقررات، از جهت عملی و اجرایی با مشکلات جدی روبرو است. چالش اساسی مربوط به پناهندگان، کافی نبودن مقررات الزام‌آور و ضمانت‌های اجرایی لازم برای تحقق مفاد کنوانسیون‌ها، تفسیرهای متفاوت و رفتارهای متفاوت دولت‌هاست.

**واژگان کلیدی:** پناهندگی، اسناد بین‌الملل، حقوق بین‌الملل، امان.

---

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه عدالت h. esmaili1365@yahoo. com

**مقدمه:**

یکی از غرایز بشر، تلاش برای زنده ماندن و حفظ جان می‌باشد. پس از تشکیل اجتماعات اولیه‌ی بشری، ترس از حیوانات درنده به ترس از انسان‌های دیگر و هم‌نوعان تبدیل شد و مالکیت زمین، حیوانات اهلی، ابزار و غذا انگیزه درگیری انسان‌ها گردید و افراد قوی‌تر ضمن غلبه بر افراد ضعیف، دارایی آن‌ها را از مالکیت آن‌ها خارج ساخته و حتی قصد از بین بردن افراد ضعیف را می‌نمایند و در نتیجه منجر به گریختن افراد ضعیف‌تر می‌گردید. با شکل‌گیری و رشد حکومت‌ها و کشورها، نحوه‌ی پناه بردن انسان‌ها نیز تغییر یافت و مخالفان حکومت‌ها برای حفظ جان خود به کشورهای دیگر پناهنده می‌شوند. انگیزه‌های پناهندگی، ترکیبی از انگیزه‌های اقتصادی، مذهبی و سیاسی بود. بعضی از کشورها و حکومت‌ها طرفداران یک مذهب خاص را مورد آزار و اذیت قرار داده و آن‌ها نیز تصمیم به ترک خانه و کاشانه‌ی خود می‌گرفتند و بعضی از کشورها که مشکل خاصی با آن مذاهب نداشتند آن‌ها را می‌پذیرفتند.

همواره در اثر جنگ‌ها و غلبه یک کشور بر کشور دیگر، اشکال مختلف آزار و اذیت به افراد کشور مغلوب انجام می‌شود. افراد برای حفظ جان خود، خانه و کاشانه‌ی خود را ترک نموده و خود را به یک مقصد امن می‌رسانند. افراد پناه‌جو از وحشت خشونت و قتل و تجاوز، پا به فرار گذاشته و برای رهایی از مصیبت به یک مکان امن‌تر راهی می‌شوند. در قرن بیستم اقدامات پراکنده‌ای بین برخی دول در خصوص پناهندگان صورت گرفته است و براساس معاهداتی کشورهای پذیرنده‌ی پناهنده تسهیلاتی در خصوص روادید، کار و اقامت و بهره‌مندی از قوانین آن کشور، اختصاص داده‌اند.

با شروع جنگ جهانی اول و دوم، میزان پناه‌جویان به‌طور چشمگیری افزایش یافت و این مسئله به یکی از موضوعات اصلی دولت‌ها و یک معضل بین‌المللی تبدیل شد. بنابراین در پی نگرانی دولت‌ها، معاهدات بین‌المللی شکل گرفت. یکی از معاهدات پایه‌ای در خصوص پناهندگی، کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان در خصوص پناهندگی، کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان در سال ۱۹۵۱ می‌باشد که با پروتکل‌های مستقل دیگر از قبیل پروتکل ۱۹۶۷ تکمیل گردید و محدودیت‌های زمانی و جغرافیایی کنوانسیون ۱۹۵۱ برطرف گردید. سپس همایش‌های منطقه‌ای از قبیل همایش ۱۹۶۹ در آفریقا و همایش ۱۹۸۴ در آمریکای لاتین برای رسیدگی به وضعیت پناهندگان این مناطق تشکیل گردید و نتایجی در پی داشت.

در قرن حاضر نیز شاهد جنگ‌ها و نزاع حکومت‌ها و اعمال خشونت علیه بشریت هستیم که به دنبال افزایش پناهندگان را در پی دارد که مستلزم ارائه‌ی راهکارهای جدید می‌باشد. دولت‌های عضو کنوانسیون نیز در اجلاس ۲۰۰۱ برداشت‌های جدید از کنوانسیون ۱۹۵۱ ارائه نمودند و چارچوب‌های وسیع‌تری برای حمایت از پناهندگان را مورد تأکید قرار دادند.

### ۱. تعریف مفهوم پناهندگی

پناهنده شدن و پناه جستن همیشه در ذات انسان‌ها بوده است، چرا که هرگاه شخصی بفهمد جان‌ش در خطر است، و یا زندگی در محلی که فعلاً هست، برایش غیر قابل تحمل باشد، مسلماً به دنبال پناهگاه و مکانی می‌گردد تا بتواند در آنجا به راحتی زندگی کند، بر همین اساس است که هم‌هی بشر در تلاش است تا زندگی امنی داشته باشند. امروزه واژه‌های زیادی در مورد پناهندگی مورد استفاده قرار می‌گیرد، از جمله بعضی‌ها به مهاجر، آواره، بیگانه و نیز پناهنده می‌گویند، اما در واقع هر کدام از این واژه‌ها جایگاه خاص خود را دارند و با مفهوم پناهندگی کاملاً متفاوت است. برای درک بهتر مفهوم پناهنده و حقوق پناهندگی، از واژه‌های ذکر شده، با تعریف و مفهوم‌سازی هر یک می‌پردازیم:

الف) مهاجر: در واقع مهاجر به کسانی اطلاق می‌شود که به جهت ملاحظات سیاسی، نژادی، مذهبی، جمعیتی و یا معیشتی کشور خود را ترک و به کشور دیگری که در آن اجازه‌ی اقامت یافته‌اند مهاجرت می‌کنند و قصد دارند برای مدتی طولانی در آن کشور اقامت نمایند.

ب) آوارگان: آوارگان به کسانی اطلاق می‌شود که به دلیل سیاستی، مذهبی، اجتماعی، عضویت در گروه‌های خاص، درگیری و جنگ‌های داخلی و بلایای طبیعی نظیر قحطی، سیل، زلزله و یا شیوع بیماری، کشور متبوع خود را ترک کرده‌اند؛ ولی تابعیت جدیدی به آن‌ها داده نشده است.

ج) بیگانگان: به کسانی گفته می‌شود که در خارج از قلمرو دولت متبوع خود به سر می‌برند. این واژه در مقابل اصطلاح تبعه به آن دسته از افرادی اطلاق می‌شود که تابعیت کشور محل اقامت را نداشته باشند، اعم از اینکه دارای تابعیتی غیر از مملکت محل اقامت باشد و یا آنکه تابعیت هیچ کشوری را نداشته، یعنی بدون تابعیت باشد. (ابراهیمی، ۱۳۸۳: ص ۱۷۷)

## ۲. مفهوم پناهنده در حقوق بین الملل

واژه پناهنده غالباً به فردی اطلاق می‌شود که به کسی و یا به چیزی پناه ببرد؛ اما در اصطلاح حقوقی پناهنده به کسی اطلاق می‌شود که به دلیل ترس موجه نسبت به فعالیت‌های عقیدتی، جنسی، نژادی، زبانی، ملی و قومی مورد پیگرد و تعقیب قرار گرفته باشد و یا عملاً در خطر شکنجه‌ی روحی و فیزیکی، زندان و مرگ قرار داشته باشد و در نتیجه به مکانی دیگر پناه ببرد. (احمدی، بی تا: ۴)

از آن جایی که مسأله‌ی پناهندگی دارای سابقه‌ی نسبتاً طولانی در نظام بین‌الملل بوده و حتی مدت‌ها پیش‌تر از شکل‌گیری نظام مدرن حقوق بشری در اوایل قرن بیستم و همگام با پیدایش جامعه‌ی ملل این مسأله مورد توجه قرار گرفته بود و معاهده‌های دو و چند جانبه‌ای در این راستا منعقد گردید، بنابراین تلاش‌هایی هم برای ارایه‌ی مفهوم و معنای اصطلاحی آن نیز صورت گرفت (Handbook on Procedures and Criteria for Determining Refugee Status ) (under the 1951,1974:pp 3-4). در حقوق بین‌الملل به عناوینی از قبیل پناهندگی انبوه، پناهندگی موقت، پناهندگی سیاسی، پناهندگی دیپلماتیک اشاره شده است. (نصیری، ۱۳۷۲:ص ۳۴۱)

البته این تعاریف بیشتر مبتنی بر ارایه‌ی مفهومی از اصطلاح پناهنده برای تأمین اهداف معاهده‌ای حقوق بین‌الملل بوده‌اند و این شیوه در تدوین اسناد بعدی نیز مراعات گردیده است. یکی از مهمترین و نسبتاً جامع‌ترین تعاریف مربوط به این اصطلاح، در ماده‌ی یک «کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان (۱۹۵۱) (United Nations,2012:p 138) ارایه شده است. در ماده یک کنوانسیون مزبور آمده: «از نظر کنوانسیون حاضر اصطلاح «پناهنده» به شخصی اطلاق می‌شود که: ۱- به‌موجب ترتیبات مورخ ۱۲ می ۱۹۲۶ و ۳۰ ژوئن ۱۹۲۸ یا به‌موجب کنوانسیون‌های مورخ ۲۸ اکتبر ۱۹۳۳ و ۱۰ فوریه ۱۹۳۸ یا پروتکل مورخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۳۹ یا اساسنامه سازمان بین‌المللی پناهندگان، پناهنده تلقی شده است.

۲- در نتیجه حوادث قبل از اول ژانویه ۱۹۵۱ و به‌علت ترس موجه از اینکه به دلایل نژادی، مذهبی، ملیتی یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت تعقیب و آزار قرار گیرند، در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می‌برند و نمی‌توانند یا به‌علت این ترس نمی‌خواهند خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهند یا در صورتی که فاقد تابعیت باشند و پس

از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود به سر می‌برند و نمی‌توانند یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهند به آن کشور باز گردند.

باید به این نکته توجه داشت که این تعریف در یک معاهده ارایه شده و اصطلاح «پناهنده» را می‌توان به‌نحو بسیار گسترده‌تر از آنچه در این معاهده آمده تعریف نمود، آنچنان که «کمیساریای عالی پناهندگان»<sup>۱</sup> که هم با پناهندگان معاهده‌ای و هم پناهندگان غیر معاهده‌ای سروکار دارد، تعریف گسترده‌تری را ارایه نموده تا حمایت‌های آن علاوه بر افرادی که مشمول کنوانسیون ۱۹۵۱ هستند، شامل افرادی که مشمول این تعریف نمی‌باشند نیز بشود و آن‌ها را نیز در حکم پناهنده قرار دهد. (victor,2002:p222)

کنوانسیون منطقه‌ای سازمان وحدت آفریقا، پناهنده را به‌صورت زیر تعریف می‌کند: هر فردی که به‌دلیل تجاوز خارجی، اشغال، تسلط بیگانگان یا هر واقعه‌ای که به‌طور جدی نظم عمومی تمام یا بخشی از کشور اصلی یا متبوع خود، وادار به ترک کشور اصلی برای یافتن پناهگاهی در کشور دیگری غیر از کشور اصلی یا متبوع خود گردد.

تعاریف متعدد دیگری برای پناهنده توسط حقوقدانان ارائه شده است که در آن‌ها به مواردی از قبیل مورد تهدید قرار گرفتن زندگی، امنیت و آزادی افراد و مواجه شدن با خشونت و درگیری‌های داخلی، نقض حقوق بشر اشاره شده است که فرد را وادار به ترک کشور اصلی خود نموده است. براساس تعریف کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان، شخصی که با معیارهای اساسنامه کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان منطبق است می‌تواند تحت حمایت سازمان ملل متحد که توسط کمیسیون اعمال می‌شود قرار می‌گیرد حتی اگر وی در یک کشور پذیرنده کنوانسیون ۱۹۵۱ زندگی نمی‌کند. این پناهندگان تحت پوشش کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان قرار می‌گیرند و بدین وسیله دولت پذیرنده، هر چند که به کنوانسیون ۱۹۵۱ ملحق نشده باشد، عملاً به یک سیستم حمایت بین‌المللی از پناهنده مرتبط می‌شود. بعضی از دولت‌ها نیز با استفاده از وضعیت مبهم خود که ناشی از عدم پیوستن به این مقررات بین‌المللی است، اقدامات محدودکننده‌ای در خصوص پناهندگان، به‌ویژه گروه‌های بزرگ پناهندگان، اعمال می‌نمایند.

---

1 -High Commissioner For Refugees (UNHCR)

### ۳. عناصر پناهندگی

ماده ۱ کنوانسیون که توسط پروتکل الحاقی اصلاح گردید و وضعیت پناهندگی را مستلزم وجود عناصر زیر بیان نمود: (سلیم پور، ۱۳۸۹: صص ۶-۲)

۱- ترس موجه: براساس اساسنامه‌ی سازمان بین‌المللی پناهندگان که در ۱۴ دسامبر ۱۹۴۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید، آزار یا ترس از آزاری بر مبنای دلایل معقول از جمله مورد آزار قرار گرفتن به دلیل نژاد، مذهب، ملیت یا عقیده سیاسی را مانع بازگرداندن پناهندگان به کشور مبدأ معرفی نموده است. گودوین (۱۹۹۶) معتقد است که منظور از «ترس موجه» مؤلفه‌های ذهنی و عینی ترس می‌باشد. (Goodwin, 1996: p40)

۲- آزار<sup>۱</sup>: در ضمیمه‌ی اساسنامه‌ی سازمان بین‌المللی پناهندگان کلمه‌ی «آزار» تصریح نموده است که اعتراض وقتی موجه است که ترس آن‌ها بر مبنای عقلایی و بر مبنای آزاری که به‌خاطر نژاد یا مذهب انجام شده باشد. آزار در فرهنگ‌های حقوقی عبارت است از: رفتار خشن، ظالمانه و سرکوبگر که در مورد فرد یا گروهی از افراد به‌علت نژاد، مذهب، جهت‌گیری جنسیتی یا دیگر اعتقادات اعمال می‌شود. کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان، آزار را به‌معنای تهدید حیات یا آزادی بر مبنای نژاد، مذهب، ملیت یا عقیده سیاسی یا عضویت در یک گروه اجتماعی خاص تعریف کرده است و نقض حقوق بشر را نیز از مصادیق آزار معرفی نموده است.

ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ نیز آزار را به همین شکل تعریف کرده است.

ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه نیز آزار و شکنجه را به این صورت تعریف نموده است: هر عملی که به‌وسیله‌ی آن درد و رنج شدید، چه فیزیکی و چه روحی به‌صورت عمدی به یک فرد وارد می‌شود. ماده ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز هر نوع آزار و شکنجه و رفتار بی‌رحمانه و غیر انسانی را منع می‌کند. بنابر موارد فوق، شکنجه و آزار از مصادیق نقض حقوق بشر می‌باشد و نیز آزار، در برگیرنده‌ی اذیت جسمی و روحی می‌باشد. همچنین آزار، وارد کردن یک صدمه‌ی جدی می‌باشد.

۳- فقدان حمایت دولت: پناهندگی، حمایت جایگزینی است که با فقدان حمایت ملی فعال می‌شود. این اصل، هدف اصلی کنوانسیون ۱۹۵۱ در مورد وضعیت پناهندگی و نقطه‌ی ثقل نظام بین‌المللی

حمایت از پناهندگان است (کیهانلو، ۱۳۸۵: ص ۶۹). هدف اصلی کنوانسیون پناهندگان، حفظ حقوق اولیه‌ی مدنی و سیاسی اشخاصی که با عدم حمایت دولت مواجه می‌شوند. هر چقدر هم دولت‌ها توسعه یافته باشند و هر چقدر بیشتر به اصول دموکراسی معتقد و پایبند باشند، نمی‌توانند حمایت مطلق و کامل از تمام افراد و اتباع خود را داشته باشند. بنابراین امکان عدم حمایت دولت‌ها از اتباع خود توسط حکومت‌ها و دولت‌ها پذیرفته شده است و فرد باید عدم برخورداری از حمایت دولت کشور متبوع خود را به اثبات برساند.

۴- **رابطه‌ی سببیت:** منظور از رابطه‌ی سببیت وجود یک رابطه‌ی علت و معلولی میان ترس موجه از مورد آزار قرار گرفتن و یکی از دلایل مندرج در کنوانسیون می‌باشد و براساس رویه‌های قضائی، رابطه‌ی سببیت باید به‌طور صریح وجود داشته باشد و به روشنی اثبات گردد. به این معنی که ترس موجه از آزار می‌بایست با توجه به یکی از دلایل مورد حمایت کنوانسیون ۱۹۵۱ در مورد وضعیت پناهندگی یعنی نژاد، مذهب، ملیت، عقاید سیاسی یا عضویت در یک گروه خاص اجتماعی باشد. (سلیم پور، ۱۳۸۹: ص ۵)

۵- **وضعیت پناهندگی:** پناهنده براساس مواد کنوانسیون فردی است که به‌دلیل داشتن یکی از وضعیت‌های مذهب، عقیده‌ی سیاسی، عضویت در گروه اجتماعی خاص، ملیت و یا نژاد مورد تهدید یا آزار گرفته و به‌خاطر ترس از آزار ترک وطن نموده است.

## ۴. نظام حقوقی حمایت از پناهندگان

### ۱- ۴ حقوق پناهندگان در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸):

ماده‌ی ۶ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر تصریح می‌کند که هر کس دارای این حق است که شخصیت حقوقی او در همه جا مراعات گردد. به‌عبارت دیگر رعایت حقوق افراد مستقل از مکان می‌باشد.

بند ب ماده‌ی ۱۳ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر تصریح می‌کند که هر کس می‌تواند هر کشوری را که بخواهد، من جمله کشور خود را ترک کند و هر کجا بخواهد اقامت گزیند.

بند الف ماده‌ی ۱۴ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر تصریح می‌کند که هر کس حق دارد برای گریز از هرگونه شکنجه و فشار به‌جایی پناهنده شود. همچنین می‌تواند در سایر کشورها از پناهندگی استفاده کند.

بند ب ماده‌ی ۱۴ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر تصریح می‌کند که در جرایم غیر سیاسی یا اموری که مخالف با اصول و هدف‌های ملل متحد باشد، نمی‌توان از حق پناهندگی استفاده کرد.

بند الف ماده‌ی ۱۵ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بیان می‌کند که هر کس می‌تواند هر ملیتی را بخواهد، بپذیرد.

بند ب ماده‌ی ۱۵ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بیان می‌کند که هیچکس را نمی‌توان خودسرانه از ملت او محروم ساخت یا حق تغییر ملیت از او را سلب نمود.

#### ۲-۴ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو:

بدون تردید می‌توان آن را اصلی‌ترین منبع حقوق پناهندگان در چارچوب حقوق بین‌الملل دانست. این کنوانسیون مشتمل بر ۴۶ ماده و در ضمن یک مقدمه، هفت فصل، یک الحاقیه و یک ضمیمه در ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ به تصویب رسید. این کنوانسیون مهم‌ترین مبنای حقوق پناهندگان در حقوق بین‌الملل و حتی حقوق ایران است. این کنوانسیون در جریان کنفرانس نمایندگان تام‌الاختیار که براساس قطعنامه‌ی ۴۲۹/۷ مجمع عمومی تشکیل شده بود، به تصویب رسید. (نصیری، ۱۳۷۲ ص ۳۴۷-۳۴۶)

اصول و اهم تعهدات این کنوانسیون در خصوص پناهندگان عبارتند از:

- ۱- تساوی بین افراد و عدم تبعیض
- ۲- آزادی در امور دینی و مذهبی
- ۳- اشتغال با دستمزد
- ۴- جیره و سهمیه
- ۵- آزادی رفت و آمد
- ۶- تحصیلات

#### ۳-۴ پروتکل ۱۹۶۷ در مورد وضعیت پناهندگان:

از آنجا که کنوانسیون ۱۹۵۱ از نظر زمانی به رخدادهای قبل از اول ژانویه ۱۹۵۱ و از نظر جغرافیایی به اروپا محدود بود، اما پروتکل، کنوانسیون ۱۹۵۱ را در بر می‌گیرد. دفتر کمیسریای عالی ملل متحد در مورد پناهندگان در آوریل ۱۹۶۵ در شهر بلاجیو ایتالیا کنفرانسی تشکیل داد. این کنفرانس متشکل از ۱۳ متخصص حقوقی از کشورها و متخصصان حقوقی بود که پیش‌نویس پروتکلی به‌منظور حذف محدودیت زمانی اول ژانویه از کنوانسیون را تهیه کرد. کمیسر عالی



گزارش این کنفرانس را به همراه متن پیش‌نویس به کمیته‌ی اجرایی و کشورهای عضو کنوانسیون ارسال کرده و گزارش را با اصلاحات چندی به شورای اقتصادی اجتماعی فرستاد. شورای اقتصادی اجتماعی در اجلاس پنجاه و یکم خود با تصویب پروتکل آن را به مجمع عمومی فرستاد. مجمع عمومی در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ پروتکل را در ۱۴ ماده از تصویب گذارد. (مدنی، ۱۳۶۹، ص ۲۴۸)

موضوعات مورد توجه پروتکل ۱۹۶۷ در مورد وضعیت پناهندگان عبارتند از:

#### ۱-۳-۴ همکاری و نظارت دولت‌ها

با الحاق دولت‌ها به کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷، موافقت می‌نمایند که کمیساریای پناهندگان را در اجرای وظایف‌اش کمک نموده و با نظارت کمیساریای پناهندگان بر اجرای مفاد کنوانسیون‌های مربوط به پناهندگان، همکاری نمایند و مواد کنوانسیون را در خصوص پناهندگان و پناهجویان و افراد مشمول کنوانسیون و پروتکل الحاقی اعمال نمایند.

#### ۲-۳-۴ تعریف پناهنده و ویژگی‌های پناهنده و شرایط پایان وضعیت پناهندگی

براساس تعریف کنوانسیون وضعیت پناهندگان ۱۹۵۱ و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷، پناهنده فردی است که به دلایل نژاد، مذهب، ملیت و یا عضویت در گروه اجتماعی خاص یا عقیده‌ی سیاسی، ترس موجهی از آزار دارد و در خارج از کشور و وطن اصلی خود به سر می‌برد و به علت ترس از آزار مایل به برخورداری از حمایت آن کشور و یا بازگشت به آن کشور را ندارند. بر اساس این تعریف پناهجو باید بتواند متفاوت بودن عقیده‌ی سیاسی خود را با دولت کشور و یا قرار گرفتن در یک گروه اجتماعی که مورد عدم حمایت دولت یا اجتماع خاصی است و یا عضویت در گروه‌های قومی، زبانی و یا تعلق به گروه‌های نژادی مورد بی‌مهری دولت را به اثبات برساند. چنانچه فرد داری این شرایط باشد پناهنده محسوب می‌شود و دولت پذیرنده ملزم به رعایت حقوق پناهنده براساس مواد کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷ می‌باشد.

#### ۳-۳-۴ وضعیت حقوقی افراد پناهنده

تا زمانی که فرد پناهنده و پناهجو دارای شرایط و ویژگی‌های تعیین شده در مواد کنوانسیون برای پناهنده باشد، پناهنده محسوب می‌شود و کشورهای متعاقد ملزم به رعایت آن می‌باشند. فردی که

دارای شرایط پناهندگی است را نمی‌توان براساس اصل منع اعاده یا بازگشت قهری به کشوری که حیات یا آزادی آن‌ها در آن کشور در معرض تهدید خواهد بود، بازگرداند.

#### ۴-۴ اعلامیه‌ی اسلامی حقوق بشر

این اعلامیه در ۲۵ ماده (به وجود اینکه تنها بین مسلمانان معتبر است ولی از آنجا که مسلمانان به‌عنوان بزرگترین اقلیت در جهان به شمار می‌آیند از اهمیتی ویژه برخوردار است). (وزیری، حمیسی، ۱۳۸۷:ص ۳۶۵)

#### ۵-۴ کنوانسیون ۱۹۶۹ سازمان وحدت آفریقا

این اعلامیه در خصوص برخی جنبه‌های خاص مسایل پناهندگان در آفریقا و اعلامیه‌ی کارتاها و نظام مشترک اروپایی پناهندگی ۱۹۹۹ مصوب شورای اروپا برای رسیدگی به وضعیت پناهندگان، آوارگان و سایر اشکال جابجایی غیر داوطلبانه تصویب و مورد تأیید کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان قرار گرفته‌اند.

#### ۵. ضمانت اجرای نهاد پناهندگی

در خصوص ضمانت اجرای نهاد پناهندگی از تمام دولت‌ها خواسته شده است که کوشش‌های خود را با اجرای ماده‌ی ۱ و بند ۲ ماده‌ی ۳۳ کنوانسیون اجرای مواد کنوانسیون را فراهم نمایند. براساس قطعنامه‌ی ۱۲ و ۱۳ دسامبر ۲۰۰۱ در ژنو دولت‌های عضو با دعوت دولت سوئیس و کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان گرد هم آمدند و حمایت از کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۶۷ کمیساریای عالی را در اجرای مصوبات و انجام وظایفش یاری نمایند.

#### ۶. حداقل حقوق پناهندگان براساس اسناد بین‌المللی

اگرچه اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر با انگیزه‌ی حمایت از پناهندگان تدوین نگردیده است، اما دربردارنده‌ی حقوق برای همه انسان‌ها، صرف‌نظر از تعلق آن‌ها به کشور یا مذهب خاص می‌باشد و در مقدمه‌ی آن آمده است که مجمع عمومی این اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه‌ی ملل اعلام می‌کند تا جمیع افراد و همه‌ی ارکان اجتماع این اعلامیه را

مدنظر داشته باشد و تلاش کنند که به وسیله‌ی آموزش و احترام این حقوق و آزادی‌ها توسعه یابد و با تدابیری تدریجی ملی و بین‌المللی در بین خود ملل عضو اجرا شود. (مشهدی، بی تا، ص ۱۳)

اساسی‌ترین حقوق پیش بینی شده در این اعلامیه که شامل پناهندگان زیر می‌شود:

۱- برخورداری از تمام حقوق و آزادی‌ها (ماده‌ی ۲)

۲- حق زندگی و امنیت شخصی (ماده‌ی ۳)

۳- منع هرگونه شکنجه و رفتار خلاف شان بشری (ماده‌ی ۵)

۴- برابری همه‌ی افراد بشر در برابر قانون (ماده‌ی ۷)

۵- حق عبور و مرور و انتخاب آزادانه‌ی محل اقامت (ماده‌ی ۱۳)

۶- داشتن حق کار و حرفه (ماده‌ی ۲۳)

۷- بهره‌مندی از آموزش تا مرحله‌ی عالی (ماده‌ی ۲۶)

#### **۷. وظایف کمیته‌ی اجرایی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد**

مسئولیت اصلی حمایت از پناهندگان به عهده‌ی کمیساریای عالی پناهندگان می‌باشد. کمیساریای عالی به‌عنوان یک سازمان مستقل و غیر سیاسی، توسط سازمان ملل متحد تشکیل شده و وظیفه‌ی حمایت از پناهندگان و کمک به آن‌ها در یافتن راه‌حل‌هایی برای بهبود وضعیت ناگوارشان را به‌عهده دارد. نقشی که کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان ایفا می‌کند عبارتند از:

##### **۱-۷ نقش اطلاع‌رسانی:**

کارکنان کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، با اطلاع‌رسانی و ترویج معاهدات در بین دولت‌ها، افراد ذی‌نفع را با حقوق خود آشنا نموده و آن‌ها را در بهبود وضعیت خود راهنمایی می‌نمایند.

##### **۲-۷ نقش نظارتی:**

پاسخ به وضعیت‌های اضطراری، نقل مکان اردوگاه‌های پناهندگان از مناطق مرزی به مناطق امن‌تر، نظارت بر خدمات اجتماعی و حقوق زنان و کودکان، بازدید از مراکز نگهداری نمونه‌ای از فعالیت‌های کمیساریای عالی پناهندگان در خصوص نقش نظارتی این نهاد هستند.

### ۳-۷ نقش مشورتی:

کمیساریای عالی در مورد طرح قوانین پناهندگی، سیاست‌ها و عملکردها، دولت‌ها را یاری می‌نمایند و در صورت نیاز با کارگاه‌های آموزشی کشورهای پناه‌دهنده را در اجرای تعهدات و وظایفشان یاری می‌نمایند.

### ۴-۷ نقش قانون گذاری:

کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، مرجع قانون گذاری و تصمیم‌گیری در خصوص پناهندگان دولت‌ها می‌باشد و رعایت مصوبات این سازمان و کمیته‌های آن توسط تمامی کشورها الزامی می‌باشد.

## ۸. حقوق حمایت از زنان پناهنده

زنان نیز همانند سایر پناهندگان به حمایت در برابر بازگشت اجباری به کشور مبدأشان، اشکال مختلف خشونت، بازداشت‌های غیرموجه و طولانی و بدون دلیل، وضعیت اقامت و حقوق اجتماعی، اقتصادی و دسترسی به نیازهای اساسی از قبیل غذا، سرپناه، پوشاک و مراقبت‌های پزشکی نیاز دارند (کمیساریای عالی پناهندگان و...، بی تا، ص ۹۸). علاوه بر آن زنان دارای نیازهای حمایتی خاص هستند. حمایت از زنان در برابر بهره‌برداری نامناسب، سوء استفاده جنسی و جسمانی و حمایت در برابر تبعیض نمونه‌هایی از این نیازها می‌باشند. تا دهه‌ی ۱۹۸۰، زنان پناه‌جو با مشکلات عمده‌ای مواجه بودند و مسائل مربوط به جنسیت افراد مورد توجه نبود. اما به دلیل پیشرفت مسائل زنان در سطوح بین‌المللی و وضعیت زنان پناهنده و پناه‌جو توسط کمیته‌ی اجرایی کمیساریای عالی پناهندگان مورد توجه قرار گرفت. قطعنامه‌ی شماره‌ی ۳۹ کمیته‌ی اجرایی در ۱۸ اکتبر ۱۹۸۵ زنان پناهنده و پناه‌جو را مورد توجه قرار داده و با اعلامیه‌ی رسمی حمایت بین‌المللی از زنان پناه‌جو و پناهنده تأمین امنیت فیزیکی و جلوگیری از استثمار جسمی و جنسی مورد توجه قرار داد و به دنبال آن کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان درخواست کرد که مسایل زنان پناه‌جو در حقوق پناهندگی در نظر گرفته شود و کمیته‌ی اجرایی در قطعنامه‌ی بعدی حقوق زنان را از مصادیق حقوق بشر معرفی نموده و نقض این حقوق از طریق خشونت جنسی یا سایر اشکال آزار، می‌تواند زنان را

به‌عنوان پناهنده مورد شناسایی قرار دهد و کشورهای زیادی براساس این قطعنامه دستورالعمل‌هایی تدوین نموده و در رویه‌های قضائی به آن استناد نموده‌اند.

حقوق زنان پناهنده علاوه بر کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷ در سایر اسناد حقوق بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است که عبارتند از: ۱- اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، ۲- کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و دو پروتکل الحاقی آن ۱۹۷۷، ۳- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و ...

این اسناد چارچوب بین‌المللی حقوق بشر در خصوص زنان را تشکیل می‌دهند و هر کدام از یک منظر زنان پناهنده و پناه‌جو را مورد پشتیبانی قرار می‌دهند. علاوه بر قوانین بین‌المللی کشورهای پناهنده نیز دارای قوانین خاص می‌باشند که جایگاه حقوقی پناهنده را مشخص نموده و در صورت وقوع جرم از قبیل تجاوز و تعرض جسمی و جنسی، تحت قوانین داخلی آن‌ها مجرمین مورد مجازات قرار می‌گیرند.

## ۹. حقوق کودکان پناهنده

کودکان، بیشترین قربانیان جنگ‌ها و درگیری‌ها می‌باشند. به‌دلیل وابستگی آن‌ها و آسیب‌پذیری آن‌ها و نیاز به مراقبت و نیازهای مربوط به رشد، این گروه در مقایسه با سایر گروه‌های سنی نسبت به نقض حقوق بشر آسیب‌پذیرتر هستند. کودکان خردسال در ابتلا به بیماری و سوءتغذیه آسیب‌پذیرتر هستند و نوجوانان نیز اغلب به زور به استخدام نیروهای نظامی در می‌آیند. کودکان به‌سبب آزار و اذیت و خشونت علیه اعضای خانواده و یا از دست دادن آن‌ها، دارای حد بالایی از نگرانی و افسردگی می‌باشند. ترک خانه و کاشانه به‌طور غیر منتظره و جدایی والدین هنگام فرار و یا از دست دادن والدین هنگام فرار موجب ایجاد سطح بالایی از افسردگی و ضربات روحی بر آنان می‌شود.

یکی از فراگیرترین قوانین مربوط به کودکان، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ می‌باشد و اغلب کشورها عضو آن می‌باشند. چنانچه کشورهای عضو کنوانسیون پناهندگان نباشد می‌توان از این قوانین استفاده نمود. حتی در صورتی که کشوری کنوانسیون‌های پناهندگان را امضاء کرده باشد نیز از این قوانین به‌عنوان قوانین تکمیلی استفاده می‌شود. کنوانسیون حقوق کودک به تمام افرادی که

زیر ۱۸ سال هستند شامل می‌شود. تمامی جوانب زندگی یک کودک، از سلامت و آموزش و پرورش گرفته تا حقوق اجتماعی و سیاسی وی، در این کنوانسیون تحت پوشش قرار گرفته‌اند. همه‌ی مزایایی که یک کشور برای کودکانی که شهروند خود قائل می‌شود باید در اختیار تمام کودکان واقع در مرزهای آن کشور، از جمله کودکان پناهنده یا حتی کودکانی که به‌طور غیر قانونی در آن کشور قرار دارند، گذاشته شود. اصول حقوق کودکان پناهنده براساس مواد کنوانسیون عبارتند از:

#### ۱- ۹ اصل عدم تبعیض:

این اصل بیان می‌کند که تمام کودکان پناهنده، همانند کودکان آن کشور بدون توجه به وضعیت شهروندی، وضعیت مهاجرت و یا هر وضعیت یا موقعیت دیگر، از تمام حقوق مندرج در کنوانسیون حقوق کودک برخوردار هستند.

#### ۲- ۹ اصل برترین منافع:

بر اساس این اصل اثرات هر نوع اقدامات و تصمیمات و مصوبات دولت‌ها باید بر کودکان مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و منافع کودک در تمام اقدامات و تصمیمات دولت‌ها در اولویت قرار گیرد.

#### ۳- ۹ اصل مشارکت:

مشارکت دادن کودکان در زندگی اجتماعی و جامعه، بر تصمیمات بزرگسالان تأثیرگذار خواهد بود و بزرگسالان با مشارکت دادن کودکان، احساسات و نیازهای آن‌ها را درک نموده و تصمیم‌های بهتری اتخاذ خواهد نمود.

#### ۱۰. حمایت از پناهندگان سالمند

سن سالمندی در کشورها و جوامع مختلف متفاوت می‌باشد. پناهندگان سالمند اغلب از حقوق خود و خدمات و امکاناتی که در اختیارشان است مطلع نمی‌باشند. سالمندان با خطر ترک یا نادیده گرفته شدن اعضاء خانواده بوده و یا خانواده قادر به مراقبت از آن‌ها نباشد. تغذیه‌ی بد، فقدان شغل و عدم درآمد، شرایط وحشتناک زندگی را برای آن‌ها فراهم می‌نماید و فقدان مراقبت و توجه آن‌ها را برای بیماری مستعد می‌کند و امید به زندگی آن‌ها کاهش می‌یابد. اغلب افراد سالمند، منفعل و وابسته هستند. با توجه کردن به سالمند می‌توان آن‌ها را فعال در کنار خانواده نگه داشت. برخی افراد سالمند

نیز فعال هستند ولی به زور آواره شده‌اند (کمیساریای عالی پناهندگان و . . . ، بی تا: ص ۱۱۸). پناهندگان سالمند ممکن است در شرایط و مراحل مختلف زندگی پناهنده شوند که این حالات عبارتند از:

سالمندان باقی مانده از نسل کشی‌ها ۲- سالمندان باقی مانده در اردوگاه‌ها ۳- عدم اسکان مجدد سالمندان یا پذیرش اقامت آنان ۴- پایین بودن احتمال بازگشت سالمندان افراد سالمند نسبت به افراد دیگر، بیشتر تحت فروپاشی اجتماعی قرار می‌گیرند. فروپاشی اجتماعی که از فروپاشی و سقوط اقتصادی ناشی می‌شود موجب کاهش سطح زندگی خانواده‌های فقیر و در نتیجه جدا شدن اعضاء خانواده و پراکنده شدن آن‌ها می‌شود. پناهندگان سالمند بی‌سرپرست در کشورهای در حال توسعه، با فلاکت و رنج بی‌شماری مواجه هستند. این افراد ممکن است گدایی پیشه کنند و حاشیه‌نشین شوند و یا ممکن است توسط سازمان‌های امدادگر یا کمیساریای عالی پناهندگان مورد شناسایی قرار نگیرند.

## ۱۱. حقوق و تکالیف پناهندگان

پناهندگان نیز نظیر سایر افراد انسانی از تمامی حقوق و آزادی‌های اساسی که در نظام حقوق بشر شناسایی شده‌اند، بهره‌مند می‌باشند. اما با توجه به وضعیت و شرایط خاصی که پناهندگان در آن به سر می‌برند، بهره‌مندی تنها از برخی حقوق اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و متناسب با آن شرایط نیز دارای تکالیف خاصی می‌باشند. در اینجا به اختصار به بیان مهمترین حقوق و تکالیف پناهندگان براساس «کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان (۱۹۵۱)» پرداخته می‌شود. اولین و مهمترین حق پناهنده این است که دولت‌های متعاقد، مقررات کنوانسیون را بدون هرگونه تبعیضی از نظر نژاد یا مذهب یا سرزمین دربارہی وی اجرا نمایند (مراعات اصل عدم تبعیض) (ماده ۱). آزادی پناهنده در امور دینی باید مشابه اتباع آن کشور محترم شمرده شود (ماده ۴) و احوال شخصی وی تابع قوانین محل اقامتش بوده و چنانچه فاقد محل اقامت باشد، تابع محل سکونتش است (بند ۱ ماده ۱۲) و باید حقوقی که پیش‌تر کسب نموده و مربوط به احوال شخصی اوست، به‌ویژه در ارتباط با ازدواج محترم شمرده شود. (بند ۲ ماده ۱۲)

لزوم رفتار مساعد و متعارف در خصوص تحصیل اموال منقول و غیر منقول توسط پناهنده (ماده ۱۳)، حمایتی برابر با اتباع خود از مالکیت معنوی و صنعتی پناهنده (ماده ۱۴)، انجام مساعدترین

رفتار در خصوص عضویت پناهنده در جمعیت‌های غیرسیاسی و غیرانتفاعی و سندیکاهای حرفه‌ای (ماده ۱۵)، شناسایی حق مراجعه‌ی پناهندگان به دادگاه‌ها و بهره‌مندی آن‌ها از معاضدت قضایی و . . (ماده ۱۶)، انجام مطلوب‌ترین رفتار با پناهندگان در خصوص حق اشتغال و دریافت دستمزد (ماده ۱۷) و رفتار مساعد با آن‌ها درباره‌ی اشتغال آنها به مشاغل آزاد (ماده ۱۸) و حرفه‌های آزاد علمی (ماده ۱۹) نیز از جمله مهمترین حقوق پناهندگان و تعهدات دولت‌ها محسوب می‌شود. در خصوص رفاه و آسایش پناهندگان نیز آن‌ها باید از سیستم جیره‌بندی (ماده ۲۰)، مسکن (ماده ۲۱)، آموزش‌های عمومی (ماده ۲۲)، امور خیریه (ماده ۲۳) و . . متناسب با وضعیت اتباع دولت‌های متعاقد بهره‌مند شوند.

علاوه بر موارد مذکور، پناهندگان از مزایای مربوط به قوانین کار و بیمه‌ی اجتماعی (ماده ۲۴)، مساعدت‌های اداری (ماده ۲۵)، آزادی‌های رفت و آمد (ماده ۲۶)، اوراق هویتی (ماده ۲۷)، اسناد مسافرتی (ماده ۲۸)، انتقال دارایی (ماده ۳۰)، منع اخراج یا بازگرداندن (ماده ۳۳)، کسب تابعیت (ماده ۳۴) و . . نیز مطابق مقررات کنوانسیون بهره‌مند خواهند شد.

در مقابل این حقوق و مزایا، پناهندگان وظایفی را در برابر دولتی که به آن پناهنده شده‌اند نیز دارا می‌باشند. وظیفه‌ی اصلی و کلی که هر پناهنده دارد، این است که خود را با مقررات کشوری که به آن پناه آورده تطبیق دهد و قوانین و مقررات آن کشور را مراعات نماید (ماده ۲). از این جهت پناهندگان نیز نظیر سایر اتباع دولت‌های متعاقد ملزم به پرداخت مالیات و عوارض (ماده ۲۹)، مراعات مقررات عمومی مربوط به خارجیان در ارتباط با آزادی عبور و مرور (ماده ۲۶)، رعایت نظم عمومی و امنیت ملی (ماده ۳۲) و مراعات سایر محدودیت‌هایی هستند که به موجب قانون داخلی آن دولت‌ها بر آزادی‌ها و اعمال حقوق وضع شده است. (ابراهیمی، ۱۳۹۰)

## ۱۲. مسئولیت دولت‌ها در قبال اعطای پناهندگی

امروزه گرچه کنوانسیون‌های بین‌المللی وظایف و معیارهایی را در زمینه‌ی پذیرش و اعطای پناهندگی معین کرده است، اصل حاکمیت ملی همچون گذشته راهنمای دولت‌ها در این زمینه است. گذشته از آن، اصل حاکمیت دولت‌ها ایجاب می‌کند که معاهدات بین‌المللی تنها در صورتی که در هر کشور به تصویب قوه‌ی مقننه برسد، به صورت لازم‌الاجرا درآید.



به این ترتیب، به راحتی می‌توان حدس زد که کشورهای مختلف ممکن است در مقابل معیارهای مشابه و یکسان، راه‌های مختلفی را که هدف‌های سیاسی آنان ایجاب می‌کند به کار گیرند (نظری تاج آبادی، ۱۳۶۹: ص ۴۶). در چنین شرایطی ممکن است مردمی با شرایط مساوی، با رفتارهای گوناگونی روبرو شوند؛ یعنی در یک کشور با استقبال روبرو شوند ولی در کشور دیگر مورد بی‌مهری قرار گیرند. بر همین اساس، در یک معیار گسترده‌ی بین‌المللی تعریف محل امن (مأمّن) برای پناهنده با توجه به شرایط متغیر جهانی و جستجوی گاه و بیگاه بیگانگان توسط مأموران محلی، به صورت متعارض و در عین حال متغیری درمی‌آید. در سطوح داخلی نیز برای بسیاری از تصمیم‌گیرندگان پاسخ به سؤالاتی نظیر اینکه آیا کسانی که به آن‌ها پناهندگی اعطا می‌شود پس از رفع سبب و بهانه به کشور خود بازخواهند گشت یا نه، و اینکه آیا اعطای پناهندگی به تبعه‌ی یک کشور خاص باعث سرازیر شدن سایرین نخواهد شد، از اهمیت حیاتی برخوردار است.

بعضی از محققان معتقدند که قدرت دولت‌ها به‌عنوان تنها تعیین‌کننده‌ی وضعیت پناهندگی عامل عمده‌ای در نزول ضوابط حمایت از پناهندگان است. در حالی که تعریف واژه‌ی «پناهنده» تقریباً جامع‌الاطراف است، دولت‌ها تمایل دارند معیارها را به نفع خود و به صورت محدود تفسیر کنند. این دسته از محققان می‌گویند چنانچه کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها و اعلامیه‌های سازمان ملل معنایی داشته باشد، این معنا باید در ایجاد محدودیت‌هایی بر رفتار دولت‌ها در سیاست‌های اعطای پناهندگی باشد. (نظری تاج آبادی، ۱۳۶۹: ص ۴۶)

باید پذیرفت که مساله‌ی اساسی در هر قانون، تعیین طبقه‌ای از مردم است که مشمول آن شده‌اند و مواد قانون به آن‌ها تسری می‌یابد. در زمینه‌ی پناهندگی، این تعیین حدود به چند دلیل با مشکل مواجه شده است:

اول اینکه به راحتی می‌توان پذیرفت که ابهام ناشی از گستردگی تفسیر کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو توسط دولت بیشتر ناشی از اتفاق آراء تنظیم‌کنندگان این کنوانسیون دایر بر حفظ و رعایت حاکمیت دولت‌های عضو و آزادی عمل آنها در تفسیر مفاد کنوانسیون است.

دوم اینکه سخت دشوار است کشورها به ضوابطی احترام بگذارند که ناظر به جمعیتی است که به‌طور روز افزون طبقه‌بندی روشنی را نمی‌پذیرد؛ در حالی که جداسازی انگیزه‌های سیاسی که جمعی را محق برای درخواست پناهندگی می‌سازد از سایر انگیزه‌ها که صرفاً برای مهاجرت قابل قبول است، روز

به روز اهمیت بیشتری پیدا میکند و عدم امکان تعیین مرزهای مشخص و روشن بین دو عامل عینی و ذهنی ترس از تعقیب که موجب پناهندگی می‌شود نیز بر دامنه‌ی اقدامات محدودکننده‌ی کشورها در مورد پذیرش پناهندگان افزوده است، به نحوی که استثناء تدریجاً به صورت قاعده در آمده و در غالب موارد به پناهندگان بر چسب «غیرمطلوب» زده می‌شود. (نظری تاج آبادی، ۱۳۶۹: ص ۴۸)

امروزه این تفسیر گسترده از مسوولیت و حاکمیت دولت‌ها در مقابل کسانی که درخواست پناهندگی می‌کنند، تقریباً مورد حمایت همه جانبه قرار دارد؛ زیرا به استثنای شمار اندکی از جوامع که صرفاً پذیرنده‌ی پناهنده هستند، در بقیه‌ی موارد، غالب کشورهای پذیرنده خود از جمله تولیدکنندگان این امواج مهاجرت اجباری به شمار می‌روند و این دوگانگی، رفتار بین‌المللی آن‌ها را محتاطانه‌تر می‌کند. بسیاری از دولت‌ها از ابهام‌های موجود در تعریف واژه‌ی پناهنده، برای محدود کردن تعداد و نوع مهاجرانی که می‌پذیرند سود جست‌اند. در پاره‌ای موارد حتی دولت‌ها از این ابهام استفاده‌های معکوسی کرده‌اند، بدین ترتیب که برای جلب کمک‌های بیشتر بین‌المللی و تبلیغات سیاسی، بسیاری از مهاجرانی را که در زمره‌ی پناهندگان نمی‌گنجد به این دسته افزوده‌اند.

اساساً موافقتنامه‌های بین‌المللی فضا را برای انعطاف‌پذیری دولت‌ها باز می‌گذارند تا دامنه‌ی تعهداتشان را افزایش یا کاهش دهند؛ اما همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، اینکه در عمل چگونه کار می‌کنند، عمدتاً نه درک و برداشت آن‌ها از مسوولیت بین‌المللی بلکه به هدف‌های سیاست ملی‌شان ارتباط دارد. گرچه آیین نامه‌ی مربوط به تعیین وضعیت پناهندگی، با وارد شدن در جزئیات عوامل ذهنی و عینی تعریف واژه‌ی پناهنده، می‌کوشد تا حدی زیادی ابهام‌های موجود را از بین ببرد، با وجود این، مسوولیت تعیین وضعیت پناهندگی یکسره برعهده‌ی دولت‌هاست. به طور کلی، قوانین و مقررات بین‌المللی به پناهندگان این حق را نمی‌دهد که دولت‌ها را به اعطای پناهندگی به خود وادار سازند، گرچه می‌توانند از امکانات قضایی موجود برای اثبات وضعیت پناهندگی خود استفاده کنند.

دولت‌ها می‌توانند در هر جا که کنوانسیون با منافع ملی‌شان انطباق ندارد آن را به اجرا در نیاورند. رعایت حقوق دولت‌ها به حدی است که کنوانسیون ۱۹۵۱ نیز دولت‌ها را مخیر داشته است که جز در ماده‌ی اول مربوط به تعریف واژه، ماده‌ی سوم مربوط به عدم تبعیض در اجرای کنوانسیون، ماده‌ی چهارم مربوط به آزادی مذهب، بند اول ماده‌ی شانزدهم مربوط به دسترسی به دادگاه‌ها، ماده‌ی سی و سوم مربوط به اخراج

پناهندگان و مواد سی و ششم تا چهل و ششم، در کلیه‌ی مواردی که مفاد کنوانسیون با امنیت ملی آن‌ها منافات دارد حق خود را محفوظ دارند یا حق شرط قائل شوند. (نظری تاج‌آبادی، ۱۳۶۹: ص ۵۰-۴۹)

امروزه مقررات بین‌المللی مربوط به پس نفرستادن پناهندگان به کشوری که در اثر ترس از تعقیب از آن گریخته‌اند و عدم اخراج آنان توسط دول پذیرنده، انسجام بیشتر و مقبولیت عام‌تری یافته است و گرچه کاربرد این موارد غالباً پس از پذیرفتن شخص به‌عنوان پناهنده است، با وجود این، از عناصر مهم مقوله‌ی حمایت از پناهنده به حساب می‌آید. (شریعت زاده، ۱۳۸۸)

### نتیجه‌گیری

نوع دوستی از زمانی که زندگی اجتماعی شکل گرفته، وجود داشته و در عصر حاضر نیز که زندگی اجتماعی و ارتباط بین افراد جوامع مختلف توسعه‌ی چشمگیری پیدا کرده است، اندیشه‌ی حمایت از هم‌نوع و اقدامات بشر دوستانه در نظام حقوق بین‌المللی اهمیت یافته است. سازمان ملل و مجامع کشورهای مختلف، اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها و میثاق‌های متعددی در دفاع از حقوق پناهندگان تصویب کرده‌اند که مورد پذیرش بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفته است. افرادی که به دلایلی از قبیل جنگ، درگیری‌های داخلی، نقض حقوق بشر، از سرزمین خود رانده یا مجبور به ترک آن می‌شوند از نظر اندیشه‌ی جهانی و حقوق بین‌المللی دارای حقوقی می‌باشند. از حیث نظری و حقوقی، مشکل آوارگان مورد توجه جامعه‌ی بین‌المللی قرار گرفته است، اما حقوق و مقررات پناهندگی به دلیل نداشتن پشتوانه‌ی اجرایی کافی و برخورد سلیقه‌ای و تفسیرهای متفاوت از مقررات، از جهت عملی و اجرایی با مشکلات جدی روبرو است. کشورها با توجه به مصالح ملی خود با پناهندگان برخورد نموده و گاهی مسائل حقوقی تحت شعاع مسائل سیاسی قرار می‌گیرد. همچنین دولت‌ها تفسیرهای مختلفی از مواد کنوانسیون‌ها دارند و رفتارهای متفاوت دولت‌ها نسبت به پناهندگان دارند؛ بنابراین از چالش اساسی مربوط به پناهندگان، کافی نبودن مقررات الزام‌آور و ضمانت‌های اجرایی لازم برای تحقق مفاد کنوانسیون‌ها تفسیرهای متفاوت و رفتارهای متفاوت دولت‌هاست.

### فهرست منابع:

- ابراهیمی، سید نصرالله (۱۳۸۳) حقوق بین الملل خصوصی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
- ابراهیمی، محمد (۱۳۹۰) پناهنده <http://pajoohe.com/>
- احمدی، عاطفه (بی تا) حقوق پناهندگی در اسناد بین المللی، [www.morr.gov.af](http://www.morr.gov.af)
- سلیم پور، فاخته (۱۳۸۹) آزارهای جنسیتی زنان به عنوان زمینه‌ای برای تقاضای پناهندگی، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- شریعت زاده، امید (۱۳۸۸) پناهندگی در حقوق بین الملل اسلام <http://yaserziaee.blogfa.Com>
- کمیساریای عالی پناهندگان و سازمان‌های غیردولتی مشارکت کننده در فعالیت‌های آن، حمایت از پناهندگان (بی تا) تهران، کمیساریای عالی پناهندگان.
- کیهانلو، فاطمه (بهمن ۱۳۸۵) تعریف پناهنده در پرتو آراء محاکم قضایی ملی، رساله‌ی دوره دکتری حقوق بین الملل، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق.
- مدنی، جلال الدین (۱۳۶۹) حقوق بین الملل خصوصی، تهران، بی جا.
- مشهدی، علی (بی تا) حقوق بشر در اسلام، قم، دانشکده حقوق دانشگاه قم.
- نصیری، محمد (۱۳۷۲) حقوق بین الملل خصوصی، تهران، انتشارات آگاه.
- نظری تاج‌آبادی، حمید (۱۳۶۹) بررسی جنبه‌های مختلف حقوقی مسئله‌ی پناهندگی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- وزیری، مجید، حمیسی، علی رضا (تابستان ۱۳۸۷) اصول مشروعیت پناهندگی و موارد مشابه آن در حقوق موضوعه، مجله حقوق، دوره ۳۸، شماره ۲.
- Convention Relating to the Status of Refugees, 28 July 1951, United Nations, Treaty Series, vol. 189, p. 137, available at: <http://www.unhcr.org/refworld/docid/3be01b964.html> accessed 25 May 2012.
- Handbook on Procedures and Criteria for Determining Refugee Status under the 1951 Convention and the 1967 Protocol relating to the Status of Refugees, HCR/IP/4/Eng/REV. 1 Reedited, Geneva, January 1992, UNHCR 1979, pp. 3-4
- Goodwin, Gill Guy (1996) The Refugee International Law, 2ed, Oxford Clarendon Press.
- Victor, Conde, H (2002) A Handbook of International Human Rights Terminology, second Edition, santa Barbara CA: ABC – Clio.